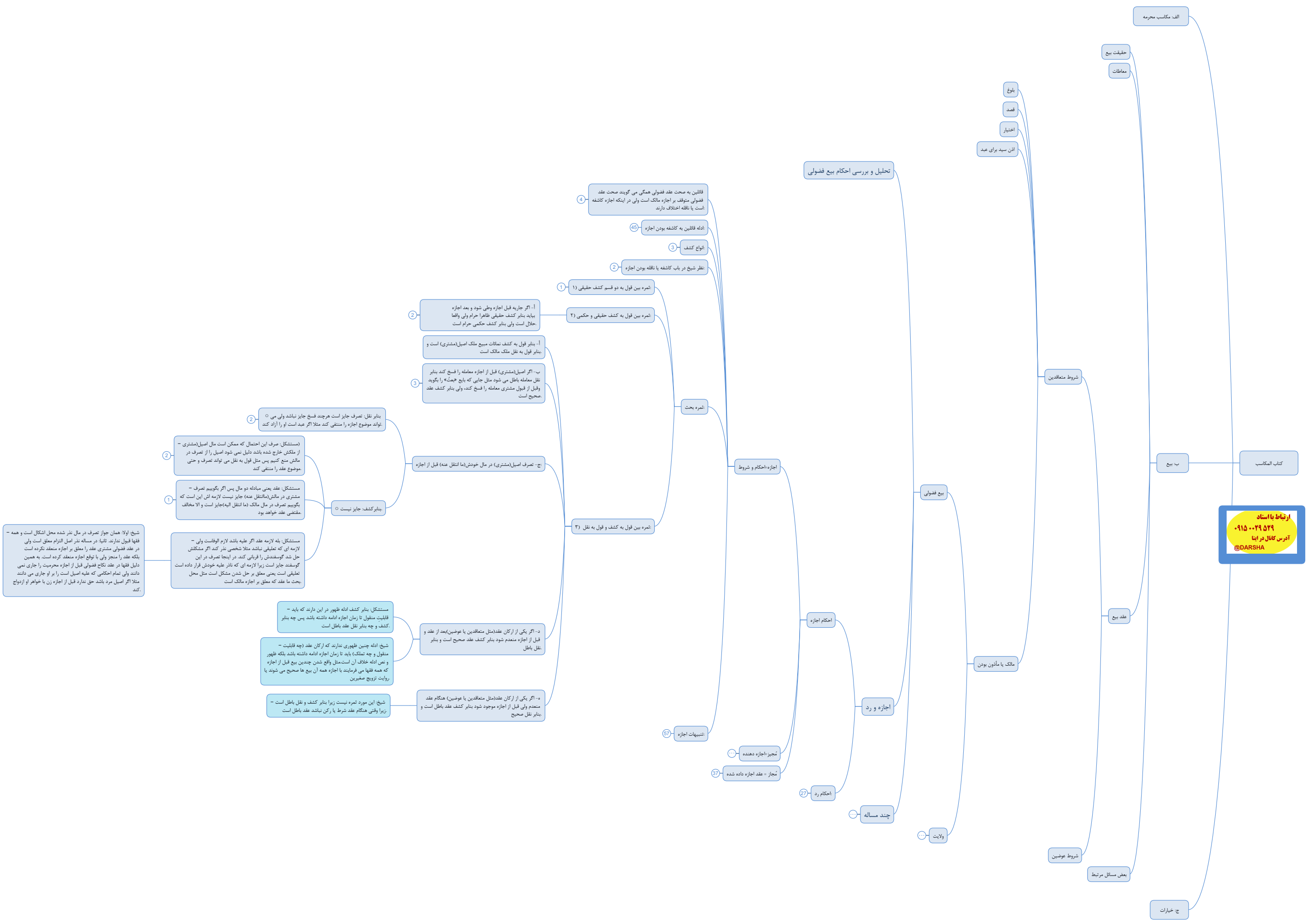

کتاب المکاسب
الف: مکاسب محرمه
ب: بیع
ج: خیارات
ارتباط با استاد
۰۹۱۵ ۰۰۲۹ ۵۲۹
آدرس کانال در ایتا
@DARSHA
حقیقت بیع
معاطات
عقد بیع
بعض مسائل مرتبط
شروط متعاقدین
شروط عوضین
بلوغ
قصد
اختیار
اذن سید برای عبد
مالک یا مأذون بودن
بیع فضولی
ولایت
تحلیل و بررسی احکام بیع فضولی
اجازه و رد
چند مساله
احکام اجازه
احکام رد:
اجازه=احکام و شروط
مُجیز=اجازه دهنده
مُجاز = عقد اجازه داده شده
قائلین به صحت عقد فضولی همگی می گویند صحت عقد فضولی متوقف بر اجازه مالک است ولی در اینکه اجازه کاشفه است یا ناقله اختلاف دارند:
ادله قائلین به کاشفه بودن اجازه:
انواع کشف:
نظر شیخ در باب کاشفه یا ناقله بودن اجازه:
ثمره بحث:
تنبیهات اجازه:
ثمره بین قول به دو قسم کشف حقیقی ۱)
ثمره بین قول به کشف حقیقی و حکمی ۲)
أ- اگر جاریه قبل اجازه وطی شود و بعد اجازه بیاید بنابر کشف حقیقی ظاهرا حرام ولی واقعا حلال است ولی بنابر کشف حکمی حرام است.
ثمره بین قول به کشف و قول به نقل ۳)
أ- بنابر قول به کشف نمائات مبیع ملک اصیل(مشتری) است و بنابر قول به نقل ملک مالک است.
ب- اگر اصیل(مشتری) قبل از اجازه معامله را فسخ کند بنابر نقل معامله باطل می شود مثل جایی که بایع «بعتُ» را بگوید وقبل از قبول مشتری معامله را فسخ کند، ولی بنابر کشف عقد صحیح است.
ج- تصرف اصیل(مشتری) در مال خودش(ما انتقل عنه) قبل از اجازه:
بنابر نقل: تصرف جایز است هرچند فسخ جایز نباشد ولی می تواند موضوع اجازه را منتفی کند مثلا اگر عبد است او را آزاد کند.
بنابرکشف: جایز نیست.
(مستشکل: صرف این احتمال که ممکن است مال اصیل(مشتری) از ملکش خارج شده باشد دلیل نمی شود اصیل را از تصرف در مالش منع کنیم پس مثل قول به نقل می تواند تصرف و حتی موضوع عقد را منتفی کند.
مستشکل: عقد یعنی مبادله دو مال پس اگر بگوییم تصرف مشتری در مالش(ماانتقل عنه) جایز نیست لازمه اش این است که بگوییم تصرف در مال مالک (ما انتقل الیه)جایز است و الا مخالف مقتضی عقد خواهد بود.
مستشکل: بله لازمه عقد اگر علیه باشد لازم الوفاست ولی لازمه ای که تعلیقی نباشد مثلا شخصی نذر کند اگر مشکلش حل شد گوسفندش را قربانی کند. در اینجا تصرف در این گوسفند جایز است زیرا لازمه ای که ناذر علیه خودش قرار داده است تعلیقی است یعنی معلق بر حل شدن مشکل است مثل محل بحث ما عقد که معلق بر اجازه مالک است.
شیخ: اولا: همان جواز تصرف در مال نذر شده محل اشکال است و همه فقها قبول ندارند. ثانیا: در مساله نذر اصل التزام معلق است ولی در عقد فضولی مشتری عقد را معلق بر اجازه منعقد نکرده است بلکه عقد را منجز ولی با توقع اجازه منعقد کرده است. به همین دلیل فقها در عقد نکاح فضولی قبل از اجازه محرمیت را جاری نمی دانند ولی تمام احکامی که علیه اصیل است را بر او جاری می دانند مثلا اگر اصیل مرد باشد حق ندارد قبل از اجازه زن با خواهر او ازدواج کند.
د- اگر یکی از ارکان عقد(مثل متعاقدین یا عوضین)بعد از عقد و قبل از اجازه منعدم شود بنابر کشف عقد صحیح است و بنابر نقل باطل.
مستشکل: بنابر کشف ادله ظهور در این دارند که باید قابلیتِ منقول تا زمان اجازه ادامه داشته باشد پس چه بنابر کشف و چه بنابر نقل عقد باطل است.
شیخ: ادله چنین ظهوری ندارند که ارکان عقد (چه قابلیت منقول و چه تملک) باید تا زمان اجازه ادامه داشته باشد بلکه ظهور و نص ادله خلاف آن است.مثل واقع شدن چندین بیع قبل از اجازه که همه فقها می فرمایند با اجازه همه آن بیع ها صحیح می شوند یا روایت تزویج صغیرین.
ه- اگر یکی از ارکان عقد(مثل متعاقدین یا عوضین) هنگام عقد منعدم ولی قبل از اجازه موجود شود بنابر کشف عقد باطل است و بنابر نقل صحیح.
شیخ: این مورد ثمره نیست زیرا بنابر کشف و نقل باطل است زیرا وقتی هنگام عقد شرط یا رکن نباشد عقد باطل است.